

بشارت



شماره نهم | خبرنامه حزب وحدت اسلامی افغانستان (پشاور)

ویژه نامه، بشارت
به مناسبت هائی
حماسه بی بدیل عاشورا،
شهادت علامه بلخی
ودومین سالگرد تأسیس
حزب وحدت اسلامی

بمناسبت بیست و سومین سالگرد شهادت علامه بزرگ «بلخی»

از گروه خبری حزب وحدت اسلامی افغانستان (پشاور)



بلخی در خشکی

در تاریکیها

در صفحه ۸

برادر علیار یکی از فرماندهان محبوب حزب وحدت اسلامی
افغانستان در نبرد علیه قوای رژیم ملحد به شهادت رسید

در صفحه ۶

بمناسبت دومین سالگرد تأسیس حزب وحدت
اسلامی افغانستان

وحدت آرمان ملت

از گروه خبری حزب وحدت اسلامی
افغانستان (پشاور)

بقیه در صفحه ۲

امام حسین (ع) نوری هکله ظلمت را شکست

در صفحه ۵



شهادت مجاهد همیشه در سنگر فرماندهان علیار را به همه مجاهدان مسلمان

وملت شهید پرور افغانستان تسلیم می گونیم

(اداره خبرنامه بشارت)



بناسبت دومین سالگرد تأسیس حزب وحدت اسلامی افغانستان

وحدت آرمان ملت

از گروه خبری حزب وحدت اسلامی افغانستان (پیشاور)

امضای میثاق وحدت، حزب وحدت اسلامی افغانستان را به وجود آوردند.

بعد از آن شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان هیأتی را به ریاست حجت الاسلام والمسلمین مزاری مأمور برچیدن دفاتر احزاب منحل در کشور های همسایه و باز گشایی دفاتر حزب وحدت در آنجا ها و تثبیت و تحکیم مواضع این حزب در خارج از کشور نمود. با سفر این هیأت به خارج از کشور دفاتر حزب وحدت اسلامی بعنوان تنها حزب برخوردار از اراده و ارمان مردم مظلوم و مسلمان ما در کشورهای ایران و پاکستان و برخی از کشورهای اروپایی افتتاح شدند. همچنان مسؤلان بلند پایه حزب وحدت با شرکت در جلسات و کفراسه های بن المللی

ها و مشقت های بسیاری را برای مردم مظلوم در تمام افغانستان بوجود آوردند. مناطق مرکزی و شیعه نشین افغانستان نیز از این قاعده مستثنی نبودند تعصبات بی معنی و گاه احمقانه گروهی منجر به جنگهای داخلی شده و عملاً مردم ما را در رنج، محنت، بدبختی و ذلت نگهداشته بود. در این ضمن

بافراسیدن دومین سالگرد تأسیس حزب وحدت اسلامی افغانستان و در آستانه تحلیل از آن، سوالی که مطرح می شود اینست که: این حزب بر اساس کدام ضرورت ها و نیاز هائی بوجود آمده و در این دو سال چه کارهایی، در کدام زمینه های داشته و چه روندی صعودی یا نزولی را پیموده است؟

در پاسخ باید گفت: وقتی که حزب مزدور دموکراتیک خلق افغانستان به کمک روسها زمام امور را در دست گرفته و عملاً کشور را بسوی پذیرش ایدیا های مارکسیستی و فاصله گرفتن و توهین دین اسلام سوق داد یکی از واکنش های طبیعی در برابر این وضع قیام در برابر ان ویر اندازی این حکومت مزدور و حاکمیت نظام اسلامی در افغانستان بود و بدین منظور مردم غیور و سلحشور ما در هر گوشه و کناری از افغانستان دست به قیام زده و با دست های خالی مبارزه بر ضد حکومت تابندگان مسلح را شروع کردند و روسها وقتی دیدند مزدورانشان را تاب مقاومت در برابر مردم نیست، خود وارد عمل شده و عملاً افغانستان را اشغال کردند.

بدیهی است که آغاز گر قیام بر ضد رژیم و بعداً اشغالگران گروههایی بودند که بعضاً سابقه مبارزاتی طولانی داشتند و بعضی شان الساعه بوجود آمده و کار مبارزه را هدایت کردند که نباید با تعصبی کورکورانه، نقش شانرا نادیده گرفت این گروه ها یقیناً نقش اصلی و عمده را در شکست قوای اشغالگر بازی کردند، اما بنا به دلایل چندی از قبیل ناآگاهی و بیسوادی مردم، خود محوری ها، تسلط نفس اماره، قدرت طلبی ها و سایر علل که در صد ذکر همه نیستیم درد سرها و رنج



و کشور های اسلامی مواضع این حزب را تشریح کرده و برای حل و فصل عادلانه، قضیه افغانستان با مقامات ملل متحد و کشور های اسلامی بحث و تبادل نظر نمودند. درین اواخر نیز آقای حجت الاسلام والمسلمین مرتضوی و هیأت همراهش بنابه دعوت وزارت خارجه پاکستان از این کشور دیدار نموده و با مقامات بلند رتبه این کشور، از جمله غلام اسحاق خان رئیس جمهور و اکرم ذکی و سایر مقامات پاکستان بحث و تبادل نظر نمودند که مواضع طرفین بسیار نزدیک بود. همچنان این هیأت با زهران تنظیم های جهادی مقیم پیشاور نیز مذاکره و تبادل نظر نمودند و آقای حجت الاسلام والمسلمین اخلاقی

مسؤلین مؤمن، متعهد، آگاه و دلسوز مردم و رهبران جهادی که در داخل افغانستان و در سنگر های شرف، عزت و آزادی با مجاهدین شکم گرسنه و پا برهنه بسر می بردند سالها تلاش نمودند تا باشناختن عوامل اصلی این بدبختی ها آنها ریشه کن ساخته و مردم ما را حول محور توحید گرد آورند.

تا بالاخره در نتیجه سالها تلاش کنگره سراسری در بامیان تشکیل شده و تمام مسؤلین گروهها در آن حضور یافته و بعد از بحث و تبادل نظرهای فراوان وحدت کلمه و اتحاد کامل گروهها را یگانه راه رهایی از حصار های تنگ گروهی و ذلت و بدبختی تشخیص داده و یگانه راه عزت و سرزینندی ملت را در آن دیده و با

بلخی درخششی در تاریکیها

از گروه: حمزه حریز، وحیدت اسلامی، ادمالستان (بشارت)

روز گاریکه حیولای مرکزائی تاریکی و ظلمت به شمه، شمه از حدود هیاتان سایه افکنده بود، وغولان درنده خو را طرح اسارقان در نظر بود، و رویه صفتان دستکاه حاکم، به حکومت و عشرت نشسته بودند، دجله خشکیده، تاریخ میهن اسلامی ما را نیازی شدید به شمع فروزان بود که در وجود خود می سوخت، تا از خون سیال رگانش، در رگ حیات تاریخ از دست رفته، ما خون تحریک و پیکار بیافریند.

آری! جوششی که شهید بلخی فریاد گرانه فرا خواست و بدین نیاز مبرم، و حیاتی تاریخی لبیک گفت، همانا آغازی بود، برای درهم شکستن سکوت حفاقانرا.

و نعره های آزادیخواهانه و حق طلبانه، وی همچو سیل خروشان و مهیب بود، که هر آن پایه های ظلم و ستم شاهی را از ریشه و تهداب به لرزش درمی آورد، و حقا که در چنان موقعیتی و در آن هنگامه، ای خوف خونین، حیرت و سرگردانی، وحشت زدگی و سردرگمی، او (شهید بلخی) بود که دست به پخش و گسترش شعار آزادی زد.

اما حسرتا که بخش اعظم از کار نامه های آن علامه بزرگوار تا بحال از نظر ها پنهان و مرموز باقی مانده است.

با تعمق و تعقل به روال زمان و تاریخ میهن خود می بینم که نسل جوان در سختترین و دشوارترین مرحله، سرنوشت ساز حیاتشان، از همه بیشتر و مهمتر، تشنه، یک خط فکری و بینش عمیق اعتقادی هستند، که فکرو اندیشه، شهید علامه بلخی لایقترین و سزاوارترین پاسخگوی نیاز و خواست نسل جوان جامعه ما بوده است، زیرا بلخی بزرگ مبارزه را که آغاز و سر سلسله کلامش کلمه آزادی است، در میان نسل جوان آغاز

کرد.

معلم مکتب آزادی، بلخی بزرگ به جوانان دردمند میهن خویش واژه های «نبرد با استبداد و ظلم و حصول آزادی» را به تدریس نشست. و او بود که به نسل جوان الهام نمود، که با به کبار برد خلاقیت و ارزش معنوی وجودیشیان همچو شاگردان خطه، شهادت و پرچمداران کبیر حریت و آزادی تاریخ سرخ رنگ و خونین مکتب شان، خود را عیار نمایند، و شعار آزادی را سرلوحه حیات آگاهانه شان قرار دهند.

شهید علامه بلخی همگام با تداوم مبارزه اعتقادی، یکی از عرفای واقعیت بین و جارسیده بود که نظومش شرحی از انگیزه ها و احساسات والای درونی آن بزرگ مرد و خواسته های ملت در بند شو بود.

همچنانکه تعبیرات ذهنی اش سراسر وضاحت گر خط مشی قیام ملت معصوم و محکومش می باشد، همانا که فرماید:

جوانان! در قلم رمز شفاف نیست

دوای درد استبداد خون است

ز خون بنویس بر دیوار ظالم

که آخر سیل این بنیاد خون است

تا خون تریخت قومی، هرگز نکشت آزاد

سهمی است تا رازین افتخار آخر

با تعمق به اشعار، خطابه ها، تحریکات و سیمای مبارزاتی شهید بلخی در خواهیم یافت که وی در ساحه عرفان و مبارزه از با عظمت ترین کنایه گویان و از برجسته ترین آشکار کنندگان چهره، ظلم و افراد غنوده در بستر عشرت و شهوت پرستان گرک صفت درباری بوده اند.

در ساحه مبارزاتی شهید بلخی همیشه بی با کانه، (دُرس گرفته از سیمای متعالی

حسین (ع) پرچم آزادی و ایثار را به کوه پایه های پر عظمت دیار آزادگان اشادت نموده، واژه شهادت را والاتر و پرمایه تر از قرنهای زندگی در ذلت و اسارت می داند.

و همانست که علامه بلخی اول مبارزه با استبداد را برای حصول آزادی شروع نموده و نظام و نظامهای استبدادی را مورد حملات سیاسی و تبلیغاتی پیهم قرار داده و اصل عقب ماندگی و محرومیت های ملت را در وجود چنین نظامی میدانست. که خود شکوه کنان این نوع نظامها را چنین تشریح می کند

تا بود این مستبدان عنود

سیل خون باشد روان از رود شرق

شهید بلخی با مغایرت و اختلاف کلی فکری و ایدئولوژیکی که با مستبدان و عشرت طلبان داشت، با دید باز و وسعت نظر، در اندیشه رهائی تمام مسلمانان مظلوم و در بند جهان و اخصاً ملت مظلوم و فراموش شده افغان می گردد. سرنگونی تمام حکومتگران جور را که بر امت اسلامی مسلطند، آرزو می نماید، و در این راستا به مثابه عضو از یک پییکره، توده عظیمی درینند، رهائی ملت محروم و ستمدیده افغانستان را سرخط مبارزه و خیزش خویش قرار می دهد، که برای رسیدن به این هدف متعالی ترغیب به انسجام و هم آهنگ کردن توده به پا خاسته می نماید، و برای رسیدن به یک وحدت عملی به سهم خود و شاید بیشتر از آن تلاش می نماید.

شهید بلخی با مهارت و نبوغ آمیخته با معرفت اسلامی اش دریافته بود که تا نرسیدن به وحدت عملی نمیتوان نظام مستبد حاکم را از جامعه رشیه کن نمود.

همچنان علامه بلخی معتقد بر این اصل بود که هر نوع مبارزه و تلاش که منحط به یک فرد یا گروهی باشد، ثمر و مولود نخواهد داشت، به همین دلیل بود که برای تیز نمودن لبه حملات دلیرانه خود، ملت محروم را منسجم نمود و حقا که شهید بلخی از زمره منادیان وحدت عملی اسلامی در سده حاضر بوده است.

بزرگ و افسانوی روس را دچار ورشکستگی
نمایند. و کرم‌لین نشینان روسی را در کاخ
عضمت و غرور به افتضاح و سوانی
بکشانند.

علامه بلخی...

شهید علامه بلخی با بصیرت و بینائی عمیق
و گسترده، که از معارف درخشان و اصیل
اسلامی داشت، عمق و ریشه، تفرقه این دانه،
سرطانی را در میان ملت درک نموده و یکی
از اصول مبارزه خویش را ایجاد وحدت و رفع
کدورت ها قرار داده بود.

ببزار هر شرکم و مست از می وحدت
غیر از همد عزوجل می شناسم

و بالاخره او که هر روز به مبارزه اش علیه
رژیم های غاصب و حاکم بر جامعه شدت می
بخشید و مشکلات فراوان را فراروی عشرت
طلبان کاخ نشین فراهم می نمود و همچو سیلاب
در تلاطم امواجش، مستبدین و زورپرستان را
به دیار وانتهی نابودی سوق می داد.

اینجا بود که دستگاه حاکمه پامشت از
طراحان نابودی ملت رنج کشیده و فلاکت
پیده، ما نقشه از پا در آوردن این علمبردار
بهضت خون و قیام را ریختند. و بعد از شکنجه
ها و محبوس نمودنهای آن بزرگ مرد در سیاه
چاه های حفانزاه زندان دهمزنگ و بعد از
متحمل نمودن مشقات زیاد برایشان، درست
۲۴ سال قبل از امروز به نوحه مرموز
و نامرئی روح تعالی آن بزرگوار، قیام گرجق
و عارف حقیقت جو را از بدن مبارکش جدا نمود
و نوگل آرزو های تقدیس و پاک ملت را پرپر
نمودند.

ولی این خود بیخبران کاخ نشین نداستند
که اگر روح آن مرد بزرگ را از بدن مبارکش
بدور نمایند، باز هم قیام برحق و مرام حقیقی
بلخی بزرگوار به وسیله رهروان مکتبش
مستدام خواهد ماند. و هرگز کارنامه های آن
شهید بزرگوار از خاطره ها حرف نگردیده،
بلکه با گذشت هر روز و هر لمحہ حقایق
آشکار تر گردیده، شعار آزادی و حریت
پسندی او سبب شد که دوده و اندی
بعد از عروج آن بزرگمرد زهروانش قلرت

تا نباشد وحدتی ...

دل که دروی عشق نبود، حفره تنگ است و بس

بی محبت یک نفس هم یک جهان، ننگ است و بس

این قجمل ها که می بینی، بجز خر مهره نیست

زینت ارباب دانش، علم و فرهنگ است و بس

وہ کبہ بر روی تملق، باز چشم مشتری است

عصرمارا رونق بازار نیرنگ است و بس

بر مراد سفله گان، گویا همی گردد سپهر

کز فلک بر شیشه آزادگان، سنگ است و بس

سخت خصم عشق و آزادی است، شیخ و مستبد

زین سبب مارا بدیشان، دانا جنگ است و بس

ای جوان هشدار کاینجا، رشد فکر آزاد نیست

تبع جوهر دارما، خوابیده در زنگ است و بس

تا نباشد وحدتی، سر رشته کی آید بدست

دامن آمال ها، در چنگ خر چنگ است و بس

درره حیرت زما افتاده، بار ارتقاء

چون کمیت عزم ما، در این سفر لنگ است و بس

بلی هجور، داشت روزی، این چمن

پس چه شد کامروز دروی منت پلنگ است و بس

«بلخیا» در این بیابان، همتی و جنبشی

رانکه هر شب رهنا، در نشه بنگ است و بس

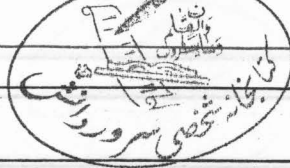
۱۳۳۷/۶/۲۴ محبس دهمزنگ کابل

بناسبت دومین سالگرد تأسیس حزب وحدت اسلامی افغانستان

میثاق وحدت

قلب افغانستان بسر میبرند با دست خالی
و قلبهای مملو از ایمان بدون هیچگونه کمک
خارجی تمام مناطق مرکزی را از لوٹ وجود
مزدوران روس پاک نموده و همچنان تابه اکنون
آزاد نگهداشته اند که در راستای نبرد بی امان
و پیگیر شان شاهد اخراج روسهای تجاوزگر
همیباشد و توانسته اند فراز نوینی را برای
اولین بار در تاریخ مبارزات رهایی بخش
جهانی بکشایند و از طرفی کفر جهانی در
بینه در صفحه ۶

واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا
و اذکرو انعمت الله علیکم ...
متن کامل و امضا شده میثاق وحدت،
بدیهی است که ملت رشید افغانستان در طور
تاریخ حماسه ها آفریده اند و برای دفاع از
اسلام و استقلال کشور درفش خونریز جهاد
را بر دوش کشیده و با خون سرخ شان پاسداری
نموده اند، و با در نظر داشت اینکه ملت
مسلمان افغانستان بویژه سلحشورانیکه در



مناسبت حماسه بی بدیل عاشورا

امام حسین (ع) نوری که ظلمت را شکست

یکبار دیگر ماه محرم ماه پیروزی خون بر شمشیر فرارسید و در آستانه عاشورای خونین حسینی فرار داریم و عاشورا می آید تا یکبار دیگر اذهان منجمد و در خواب فرورفته را بیدار و وجدان های بیدار را بسوی حق و حقیقت رهنمود شود. حسین (ع) مظهر و نمونه راستین اسلام ناب محمدی (ص)، قرآن ناطق خداوند و جانشین برحق محمد «ص»، علی «ع» و حسن «ع» است او تربیت یافته دامان محمد «ص» است علی «ع» و فاطمه «س» و نواده پاک پیغمبر است. و وارث و جانشین برحق او، رفتار و کردارش آینه ایست تمام نما، از اسلام راستین و اسلام محمد، رگ و پی و پوست و خون او اسلام است او دل بسته به زرق و برق دنیوی، تشنه قدرت و توصیف و تمجید های اغراق آمیز و بدور از واقعیت نیست او بدنبال خوشبختی فردی و بقدرت رسانیدن خانواده اش و رسیدن به مقامات بالای حکومتی و تکیه زدن بر مسند قدرت امپراطوری عظیم اسلامی و کوش دادن و غرق در لذت شدن از تملق و گرافه گویی های چاپلوسان و مفت خواران در باری نیست او وارث آدم است و نوح و ابراهیم و موسی عیسی و محمد تمامی پیامبران توحید.

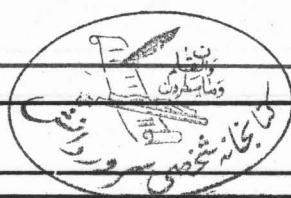
در سالهای پنجاه هجری حکومت اموی در اوج قدرت و عظمت قرار دارد، تمامی فریاد های اسلام خواهی و عدالت خواهی خفه شده و آخرین مقاومت ها در هم شکسته است، قلبها شکسته، لب ها دوخته شمشیر هازنگ زده شده است، و جاهلیت جدید بنام و در لباس فریبده توحید و روحانیت بر مقدرات مسلمین مسلط است و اصحاب کبار سه دسته تقسیم شده اند.

دسته اول که نتوانستند پامال شدن ارزشهای

توحیدی و نشستن جاهلیت جدید بر مسند خلافت پیغمبر توحید و در بر کردن لباس توحید بوسیله دشمنان اصلی توحید، جهت اغفال مردم را ببینند قیام کرد و اکثر شان به شهادت رسیده اند دسته دوم وقتی می بینند جنگیدن در راه اسلام فعلاً نه غنیمتی و نه افتخاری دارد بلکه در عوض شکنجه و زندان را نوید میدهد راه زیرکانه تری پیدا کرده اند و آن اینکه بعوض رسیدن به فلاح و رستگاری شخصی و اجتماعی از طریق جهاد آنطوری که محمد (ص) شروع کرد و علی (ع) ادامه داد و حسن (ع) آخرین مقاومت را انجام داد. به کنج خلوت و پارسایی و بریدن از اجتماع و امور مسلمین خریدند، و به عوض کوشش در راه اصلاح امور مملکت اسلامی به روزه های طولانی و نماز های نافله پرداخته و جامعه را در بیست در اختیار جاهلیت جدید گذاشتند.

اما دسته سوم: این دسته کارشان در این عصر به اصطلاح گل کرده است و حالا نوبت آن رسیده که ثمره افتخارات شان در دوران پیغمبر و هم نشینی و صحبت با آخرین پیام آور توحید را ببینند. وقتی است تا آنچه را کاشته اند بدروند و حالا نوبت آنست تا با سرمایه های گذشته تجارت کنند و کاردنیائی شانرا سامان بخشند اینها تمامی افتخارات شانرا یکباره بهای جاهلیت جدید و نظام ظلم و جور ریخته و برای بلعیدن درهم و دینار های بیشتر مسابقه گذاشته و حدیثی یک دینار بنام محمد ص می سازند تا برای مردم عملاً در غفلت نگهداشته شده، بوسیله دستگاه اموی، اعمال دستگاه را توجیه کنند. و آنقدر حدیث می سازند که اگر خود حضرت محمد (ص) نیز تا آن عصر زنده می بود نمیتوانست آنهمه حدیث بگوید، اینها با نبوغ خارق العاده شان چیز هائی را که اصلاً محمد «ص» از

مکتب خویش نمیدانسته بنام او کشف کرده اند تا او را عظیمتر از آنچه بود جلوه دهند این خادمین برحق اسلام کسانی هستند عالم تر از محمد (ص) و اسلام شناس تر از علی (ع)! حکومت بنی امیه بر علاوه تسخیر و فتح تمامی سنگر های مقاومت در برابر خویش می کوشد دو سنگر اصلی مقاومت را یعنی مغز ها و قلب های جماعت مسلمین را که کانون های اصلی اشتعال و انفجار و مقاومت در برابر ظلم و استبداد دستگاه طاغوتی اموی است شکست آتا اینها فتح نشوند فتوحات نظامی بی ثمره بوده و به نتیجه نمیرسد. گروهی را بنام مرجئه و گروهی دیگر را بنام فلاسفه الهی بیدان می فرستند، مرجئه معتقد است که هر ظلم و غارتی هر جور و چپاول و هر کشت و کشتاری که در جامعه صورت می گیرد باید نتیجه اشرا در قیامت ببیند و اشخاص حق ندارند در برابر آن موضع بگیرند، کسی را ظالم و جابر و کسی را مظلوم و مجبور بگویند، حق ندارند بروضع موجود بشویند و اعتراض کنند و فتوی بدهند زیرا اگر چنین کردند قبل از خدا قضاوت کرده اند و احکم الحاکمین خداوند است و این اشخاص معصیت کارزند. اما جبرینون فلسفه ای را بنام فلسفه الهی بوجود آوردند گفتند که انسان موجودیست که مجبور آفریده شده و اختیاری از خود ندارد. اگر دستگاه تجاوز می کنند، غارت می کند، می کشد بزنند می افکنند، ارزشها را پامال می کند هر چه می کند بخواست خدا کرده و مشیت الهی اینچنین اقتضا کرده. و لهذا انسانها جزء پذیر این وضع چاره ای ندارند و اینست که می بینیم دستگاه اموی چه زیر کانه کار کرده و سنگر قلب ها و مغز ها این کانون های انفجار دایمی را نیز تصرف کرده و دیگر خطری نمیتواند تهدیدش کند و وجودش را چنان بر مردم تحمیل کرده که همگی آنرا بعنوان مشیت الهی پذیرفته اند و دم بر نمی آورند. اکنون سال شصت هجری است پنجاه سال از وفات حضرت محمد «ص» آخرین پیام آور توحید می گذرد و بیست سال است که اسلام نیرومند ترین حامی و متعصب ترین پاسدارش



برادرعلیاریکی از فرماندهان محبوب حزب وحدت اسلامی افغانستان در نبرد علیه قوای رژیم ملحد به شهادت رسید

از گروه خپری حزب وحدت اسلامی افغانستان

به گذارش يك مبع حزب وحدت اسلامی افغانستان از داخل کشور در نتیجه جنگ های شدید که میان نیروها حزب وحدت اسلامی افغانستان و قوای نظامی رژیم ملحد کابل در کوتل سفید خاک ولایت میدان بوقوع پیوست .

مجاهدین قهرمان حزب وحدت اسلامی افغانستان میبسط غنم میر علی احمد عالم شهید ، سه سنگر دشمن را تصرف نمودند و بدین ترتیب ضربه دیگر بر پیکر رژیم ملحد کابل وارد ساختند به گذارش همین منبع در جریان

این جنگ برادر مرزا علیار یکی از فرماندهان محبوب حزب وحدت اسلامی افغانستان با دوتن از همسنگرانش بتاريخ ۷۰ / ۴ / ۱۱ در کوتل سفید خاک به شهادت رسیده و پنج تن دیگر زخمی شدند یاد آوی میشود .

فرمانده علییار در جنگ های ضد رژیم ملحد کابل از مقاومت و پایداری خاص برخوردار بوده و در آزاد سازی شهر بامیان مرکز ولایت باستانی بامیان که اکنون مرکز رهبری حزب وحدت اسلامی افغانستان می باشد نقش مهم داشته است .

مذهبی ، مدنی و ... بدون تبعیض برخوردار کردند .

۱۰- کوشش در جهت حفظ استقلال و تمامیت ارضی و همبستگی ملی افغانستان و مبارزه با فرقه گرائی و تجزیه طلبی به هر شکل آن .

۱۱- تعیین سرنوشت مردم افغانستان توسط ملت مسلمان و مجاهد این کشور و در هر گونه مداخله خارجی .

۱۲- برقراری روابط برادرانه و دوستانه با کشورهای اسلامی و ضد استعماری جهان .

۱۳- همبستگی با نهضت های اسلامی و آزادی بخش در سطح جهان .

۱۴- اتخاذ مواضع سیاسی در برابر بلوکها و اقطاب استکباری بر اساس اصل نه شرقی ، نه غربی و نفی سلطه گری و سلطه پذیری .

۱۵- تشکیل شورای مرکزی اتحاد و تعیین مقر فعلی آن در شهر باستانی و آزاد شده بامیان .

۱۶- الغای عناوین تشکیلاتی پس از تشکیل جریان سیاسی واحد با عنوان و آرم واحد و تدوین مرامنامه و اساسنامه .

۱۷- اقدامات لازم در جهت بازسازی و عمران کشور و استفاده مطلوب از منابع ، ذخایر و ثروت های طبیعی و ملی در جهت بهبود وضع اقتصادی و رفاهی مردم .

۱۸- سعی در جهت ایجاد زمینه و امکانات رشد علمی و فکری همه آحاد ملت افغانستان .

۱۹- سپردن امور به نیروها و عناصر صالح و مؤمن و کاردان .

۲۰- کلیه مسؤولین و امضاء کنندگان میثاق وحدت تعهد سپردند که به پاس حرمت خون شهدای انقلاب اسلامی افغانستان با تمام وجود برای تحقق وحدت و تحصیل مواد فوق تلاش نموده و دیگر به دنبال عناوین علایق حزبی گذشته شان نمی روند .

میثاق وحدت

مقابله با انقلاب اسلامی افغانستان تبانی نموده و در امتداد سیاستهای استعماری شان نبرد سیاسی نظامی ، اطلاعاتی و ... را علیه مجاهدان و به انحراف کشادن انقلاب اسلامی از نو آغاز کرده اند . باتوجه به مسایل فوق و ملاکهای اعتقادی (واعتصموا بحبل الله ^{کلمه التوحید}) و بنی الاسلام علی دعا متین و توحید الکلمه) انسجام هر چه بیشتر نیروهای جهادی و مبارزه آگاهانه در يك صف فشرده از هر زمان دیگر ضروری ترمی نماید لذا برای حراست از ارزشهای انقلاب و پاسداری از آرمانهای شهدای انقلاب اسلامی افغانستان تا پیروزی نهائی و تحقق احکام الهی بر اساس اصول و مبانی ذیل احزاب و جریانهای اسلامی ، طی اجلاس تاریخی در مرکز باستانی و تاریخی بامیان از تاریخ ۲۵ / ۴ / ۶۸ الی ۲۷ / ۴ / ۶۸ میثاق وحدت را تدوین و امضاء نمودند مواد آن قرار ذیل است :

۱- تداوم و تشدید مبارزه برای ایجاد حکومت اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت و اصل ولایت فقیه .

۲- جذب نیروهای سالم و مستعد شیعی بیرون از اتحاد .

۳- تلاش در جهت وحدت با تمام گروههای اسلامی برادران اهل سنت

۴- اقدام فوری در جهت رفع تشنجات موجود و جلوگیری از تشنجات احتمالی و تامین آزادی و امنیت مردم در چهار چوب قوانین و مقررات اسلام و مصالح عامه .

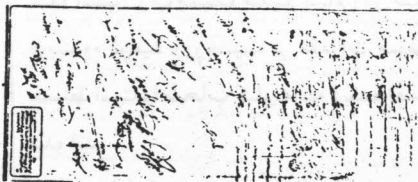
۵- جلوگیری جدی از هرگونه اقدام و عمل منافی وحدت و تکیه بر علایق و روابط گروهی گذشته

۶- مبارزه جدی با افکار الحاد و غیر اسلامی و التقاطی .

۷- نفی هرگونه مذاکره و سازش و معامله پیدا و پنهان بلزیم مزدور کابل و تشدید به جهاد مسلحانه تا سرنوشتی آن .

بسیج کلیه نیروهای نظامی در خطوط مقدم جبهات به منظور تسریع سقوط رژیم مزدور کابل .

۹- تلاش در جهت تامین عدالت اجتماعی مبتنی بر حکومت اسلامی بار سمیت هاشمیت مذاهب جعفری و حنفی که تمام اقشار ، طوایف و ملیت ها در برتوان از همه حقوق سیاسی



وحدت ارمان ملت

بعنوان نماینده ناظر حزب وحدت اسلامی افغانستان در کمیسیون طرح و تسوید حکومت انتقالی افغانستان شرکت دارند. در بعد نظامی نیز نیروهای حزب وحدت

از نمونه های آنست. حزب وحدت اسلامی افغانستان مصمم است که تا برقراری حکومت عدل اسلامی و کوتاه کردن دست های پلید استکبار و ایادی خود فروخته شان و برقراری



اسلامی افغانستان ضربات سنگین و جبران ناپذیری برپیکر پوسیده رژیم پویشالی نجیب وارد آورده اند، که فتح ولسوالی چمتال و جنگ اخیر ولایت میدان که هنوز ادامه دارد

نظامی که در آن از زورگویی، خود محوری، تبعیضات نژادی لسانی و مذهبی و شخصیت پرستی اثری نباشد به مبارزه خویش ادامه دهد.

امام حسین (ع) نوری که ظلمت را شکست

یعنی علی «ع» را از دست داده است و علی بعد از يك عمر مبارزه در راه برقراری نظام توحیدی اسلام و عدالت اسلامی در حال سجده بر پیشگاه ذات اقدس احدیت، از دست عامی مقدس مآب و بیشعوری که به یقین جانشین بلافصل ابوجهل است ضربه بر فرق خویش خورده و در آنحال میگوید: فزت ورب الکعبه « یعنی بخدای کعبه رستگار شدم. و بعد از دوروزی به لقاء ... می پیوندد وقتی امام حسن «ع» به عنوان جانشین علی «ع» و فرمانده مملکت و سپاه برجامانده از او، میخواهد باز هم سنگر مبارزه برضد جهالت جدید و جور و چپاول و غارت و کشتار و تجاوز بنام اسلام و تحت عناوین فریبنده توحید، را همچنان داغ نگهدارد. می بیند که یاران در فروختن شرف و انسانیت خویش به خریداران شرف و انسانیت از همدیگر سبقت جسته و آنقدر در این کار پیشرفته اند که در هنگامه جنگ باید امام حسن را به شهادت رسانده

و یکباره تسلیم معاویه شوند و مدال افتخار و درهم و دینار او را داشته باشند زیرا حکومت عدل اسلامی اجازه تجاوز و غارت و استفاده نامشروع از بیت المال را نمیدهد حال آنکه دزدربار اموی همه چیز هست، شراب و کباب، محالس رقص رقاصان رومی، خنیاگران ایرانی و...

و با الاخره امام حسن «ع» مجبور میشود با معاویه صلح کند و بدین ترتیب عملاً از قدرت کنا برود و در آنحال نیز ناجوانمردانه مسمومش کردند. دیگر نیروئی که در مقابل بنی امیه به مبارزه برخیزد وجود ندارد اینان تمامی سنگرهای نظامی و عقیدتی را تصرف کرده و برای اعمال شان توجیه شرعی درست کرده اند، اسلام را پوستین وارونه پوشانده و از اسلام کتاب، ترازو و آهن اسلام زورور و تزویر ساخته اند و حالا نو بت این وارث تمامی پیامبران توحید است که وارد عمل شود و حسین «ع» بر خلاف مصلحت اندیشی های مصلحت اندیشان و دوستان و نزدیکانش از مدینه با خانواده و اهل و عیالش حرکت می کند و به مکه می آید و در آنجا هدف خویش را برای مردم اعلان نموده و مراسم حج را ناقص می

گذارد و بسوی کربلا می رود تا در این زمان که شخصیت ها فروخته شده، اندیشه ها فلج، وفاداران تنها، پارسایان گوشه گیر، جوانان مایوس یا فروخته شده و منحرف و بزرگان گذشته نیز یا شهید یا خاموش و خفه یا فروخته شده اند و در بین مردم آوایی و ندایی بلند نیست و همه پایگاههای حقیقت را بر سر وفا دارانش ویران کرده اند و از دین و انقلاب محمد، دین ابو سفیان و ادامه، راه او ساخته اند دیگر تأمل جائز نیست و اینست که حسین تنها ولی مسؤل بعنوان رهبر حش و نگهبان دین حنیف وارد عمل شود که «ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاة» حسین چراغ هدایت و سفینه نجات است و وارث انقلاب

محمد و در طول تاریخ هیچگاهی توحیدیان نتوانسته اند با طاغوتیان بسازند و همه پیامبران توحید برضد شرك مبارزه نموده اند، فلهاذا ممکن نیست حالا نیز، حالا که سنگر توحید يك سرباز هم ندارد، تسلیم جور شود و اینست که حسین «ع» در جواب بیعت خواستن یزید میگوید «یهات من الذله» بیعت حسین به وارثان جهالت ناممکن است و حسین مردانه و با قامت راست در برابر بزرگترین امپراطوری خون آشام و وحشی روزگاری ایستد، می جنگد و تمامی اعضای خانواده و صمیمی ترین یاران و دوستان خویش را در راه خدا قربانی می کند و خودش نیز بشهادت رسیده و خاندانش به اسارت میرود تا مردم در خواب فرو برده شده را متوجه سازد که اسلام دستگاه اموی جهالت ابوسفیانی است که جامه عوض کرده و لباس فریبند توحید در بر کرده و باید با ان مبارزه کرد نه اینکه در گوشه های خلوت بدور از هیاهوی اجتماعی که هر روزه صد ها تن شان قربانی جنایات جانیان می شود به روز های طولانی و نماز های نافله پرداخت بل، با جهاد و حضور در جمع باید سعادت دنیوی و اخروی را بدست آورد و مستکبرین را از اریکه قدرت بزیر آورد. و می بینیم که خون سرخ حسین است که تا امروز پاسدار سنگر اسلام است و راهبان بسیاری در این باسراخته و تا تحقق نظام عدل اسلام این را ادامه خواهد داشت.

**سر لشکر محسن رضای فرمانده سپاه پاسداران اشتکاف
اسلامی ایران با برخی از رهبران و فرماندهان
جهادی ملاقات کرده است**

گذارش از : خبرنگار بشارت - اسلام آباد



سر لشکر محسن رضای فرمانده عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران که بنا به دعوت مقامات عالی‌رتبه پاکستان بتاریخ ۱۳۷۰ / ۴ / ۱۸ به این کشور آمده بود ، بتاریخ ۱۳۷۰ / ۴ / ۲۰ در مجلس که بحاضر دیدار و ملاقات بارهبران و فرماندهان جهادی افغانستان در سفارت خانه جمهوری اسلامی ایران در اسلام آباد دایر گردیده بود ، شرکت نمودند .

در این محفل استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان ، پیر سید احمد گیلانی

رهبر محاذ ملی افغانستان ، حجت الاسلام والمسلمین اخلاقی معاون اول کمیسیون سیایی عزت وحدت اسلامی افغانستان ، مولوی محمد نبی محمدی رهبر حرکت انقلاب اسلامی افغانستان ، قاضی محمد امین وقاد رهبر داعیه اتحاد اسلامی افغانستان و استاد خلیلی با جمعی دیگر از منتقدین دیگر تنظیم های جهادی مقیم پشاور و قومندانان برجسته جهادی شرکت نموده بودند . محفل حوالی ساعت ۴ / ۳۰ عصر با سخنان آقای جواد منصوری سفیر جمهوری اسلامی ایران در پاکستان آغاز گردید . آقای جواد منصوری ابتدا از تشریف آوری رهبران و فرماندهان جهادی افغانستان اظهار قدر دانی نموده و حضور به هم رسانیدن ایشان را در این محفل

خیر مقدم گفتند . متعاقباً آقای محسن رضای فرمانده عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران بعد از حمد و ثنای خداوند بزرگوار و با اشاره به رشادت ها و از خودگذری های مجاهدین افغانستان گفتند : «افغانها همه ملل مسلمان دنیا را با شکست متجاوزین روسی مدیون خود گردانیده اند .»

آقای رضائی ضمن رد هرگونه نقش برای غیب در آینده افغانستان و حمایت کامل از نهضت اسلامی کشور ما گفتند که «افغانستان مگر کموج است که باید پنجاه در صد رائی برای رژیم ملحد و دست نشانده روس ها در افغانستان داده شود ؟»

ایشان افزودند که همه کشورهای اسلامی چشم امید دارند که روزی افغانستان آزاد شود و در جمع کشور های مسلمان و آزاد بپیوندند .

در رابطه با اوضاع جهان اسلام سردار لشکر محسن رضایی ناظهارتالم و تأسف متذکر گردیدند : «تسها درد ما از ادامه جنگ و خونریزی در افغانستان نیست بلکه امروز مسلمین در همه نکات جهان در آسیا ، آفریقا و حتی اروپا مورد تاخت و تاز و قیوداند .»

ایشان در راسته باروع کدورت ها و وکشمکش ها در میان مسلمین گفتد امروز اگر مسلمین دنیا تضاهر بروحدت عموده و متحدانه عمل نمایند هیچ قدری استکباری در مقابل این توده های بزرگ ایستادگی نخواهد کرد .

فرمانده عمومی پاسداران انقلاب اسلامی ایران در رابطه با مذاکراتش با مقامات پاکستانی گفتند : «ایران و پاکستان تصمیم گرفته اند تا در قبال قضیه افغانستان همصدا باشند .»

این محفل که ساعت ۶ / ۳۰ عصر ادامه یافت ، برخی از مسولین جهادی افغانستان نیز نظریات شانرا ابراز داشتند حجت الاسلام و المسلمین آقای اخلاقی معاون کمیسیون سیاسی حرب و وحدت اسلامی افغانستان ضمن قدردانی از کمک های مادی و معنوی کشورهای ایران و پاکستان اظهار داشتند که ما از موضع واحد کشورهای برادر ایران پاکستان در قبال حل قضیه افغانستان که آقای محسن رضای در سخنانش بیان داشتند قدر دانی نموده و استقبال می نمائیم مجلس بانوزیع تحایف از جانب آقای محسن رضای به رهبران جهادی و قوموانان برجسته جهادی و صرف عصرانه به پایان رسید .

**بسم الله الرحمن الرحيم
اعلان**

برادران عزیز مجاهد و مهاجر !
کورس انگلیسی شهید بلخی مجهز به سیستم سمعی و بصری به سبک I.R.C توسط استادان ورزیده و سابقه دار پوهنتون و زبان ادبیات پوهنتون کابل تدریس میگردد . اکنون باختم موفقانه دوره چهارم برای دوره پنجم از .

Level Advance الی Level beginner
از طرف قبل از ظهر بعد از ظهر شاگرد میبپذیرد . ثبت نام همه روزه از تاریخ ۱۹۹۱ / ۰۷ / ۰۸ الی - ۱۹۹۱ / ۰۷ / ۲۵
از ساعت ۸ الی ۱۲ قبل از ظهر ، و از ساعت ۲ الی ۶ بعد از ظهر جریان دارد .
آدرس : جهانگیر آباد کوچه نماینده گی وزارت عدلیه دولت موقت اسلامی افغانستان
نمبر تیلیفون :- ۴۵۵۰۹

آدرس پستی:
پاکستان - پشاور
پست بکس : ۷۵۸
یونیورسیتی - پشاور